

مقایسه‌ی سیر مشاهده در ق و علوم تجربی

فاطمه رمضان
فریده عصار
مهدی مروجی



مقاله حاضر دومین مقاله از کمیته رویکرد فرهنگی تربیتی «دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی» است. امید است مورد استفاده شما عزیزان قرار بگیرد.

اشاره

«ما به زودی نشانه‌های خود را در جهان برون و درون آن‌ها نشان خواهیم داد تا بر آن‌ها آشکار شود که او حق مطلق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟» [فصلت/ ۵۳].

هدف از طرح این بحث، در درجه‌ی اول، بررسی چگونگی فراهم شدن زمینه‌های تفکر و تعقل از طریق مشاهده و در نهایت نشان دادن نتیجه‌ی آن است که رسیدن به توحید یا معرفت حقیقی است. زیرا در قرآن، مشاهده یکی از راه‌های رسیدن به معرفت یقینی است.^۲ هدف دیگر، مقایسه‌ی اجمالی به مشاهده‌ی قرآنی با نگاهی به علوم تجربی، است، زیرا معتقدیم، رسیدن به یقین و معرفت حقیقی که هدف مشاهده‌ی قرآنی است، یکی از دغدغه‌های فراگیرندگان و بلکه نظام آموزشی ماست.



فراهم کردن زمینه‌های سؤال و پرسش یکه دیگر از روش‌های دعوت به مشاهده است که در قرآن به آن توجه شده است

شده است.^۵ گاهی نیز سؤال بالاتر از حواس ظاهری است: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون؟» (زمر/ ۹). در این موقعیت، فراگیرنده برای رسیدن به جواب پرسش خود، مشاهده کردن را ترجیح می‌دهد. از دانش آموز سؤال شود: «همکاری در مدرسه چه ضرورت‌هایی دارد؟»

۳. پرسش و پاسخ (گفت‌وگو)

گفت‌وگو، پرسش و پاسخ‌های فراوانی در قرآن نقل می‌شوند، از جمله در آیات ۶۷ تا ۷۲ سوره بقره و آیات ۶۲ تا ۶۵ سوره انعام. در این روش، فرایند مشاهده‌ی حضرت ابراهیم(ع) را که با طرح مسئله‌ی خداشناسی به پرسش و پاسخ منجر شد (سوره‌ی شعرا، آیات ۷۴-۷۱) ذکر می‌کنیم: اگرچه او قوم خود را به مشاهده برای رسیدن به معرفت حقیقی دعوت کرد، اما می‌خواست از این طریق خود را نیز به یقین برساند و نیز اگرچه حضرت، خداوند را با نور فطرت و دلایل اجمالی «عقل فطری» پذیرفته بود، اما می‌خواست از طریق مشاهده و استدلال‌ات روشن‌تر، به حق‌الیقین برسد.

موضوع: رسیدن به توحید به عنوان یک معرفت حقیقی^۶ (۷۹-۷۴ سوره انعام):

الف) مشاهده با طرح مسئله: «این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد.»^۷

ب) افاضه‌ی معرفت از طرف خداوند به حضرت ابراهیم(ع).^۸

ج) ساختن فرضیه‌ها و آزمون^۹:

جایگاه مفهوم مشاهده در مباحث آموزش و پرورش

الف) معنا و مصادیق مفهوم مشاهده در حوزه‌ی تعلیم و تربیت: مشاهده در فرهنگ‌نامه‌ها به معنای دیدن، معاینه کردن، عمل یا فرایند دیدن و دیدار آمده است [انوری، ۱۳۸۱].

ب) مفاهیم مرتبط با مفهوم مشاهده: در قرآن، در بسیاری از موارد، برای این منظور، از مفاهیمی چون «نظر» و «رأی» استفاده شده که به معنای «نگاه کردن» هم است [قریشی، ۱۳۶۴، ج ۷: ۱۳]. اگرچه مراد از آن گاهی تدبر و تأمل و دیدن همراه با عبرت ذکر نیز شده است [همان، ص ۳۴].

تعریف مشاهده^۲: مشاهده فرایندی است که از طریق آن به پدیده‌ها در محیط اطراف توجه می‌کنیم و از آن‌ها آگاه می‌شویم [راهنمای تدریس علوم، ۱۳۸۶: ۹]. مشاهده، با توجه به معنای دو مفهوم نظر و رأی که مبنای ما برای مشاهده در قرآن است، یعنی: بررسی تحقیقی یک یا چند موضوع (خود انسان از نظر درون و برون، طبیعت، احوال گذشتگان و ماورای طبیعت)، ماهیت آن‌ها، علل، مختصات و نتایجی که به دست می‌آید، برای فراهم کردن زمینه‌های معرفت حقیقی و در نهایت رسیدن به یقین. «این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد.»^۴

راه‌های عملی برای دعوت به مشاهده

۱. فراهم کردن زمینه برای تجسم

قرآن از طریق تجسم و ایجاد صورت‌های ذهنی در مخاطب، او را به تفکر و مشاهده دعوت می‌فرماید. به عنوان نمونه، در آیه‌ی ۹۹ سوره انعام، با ایجاد زمینه‌های تجسم، انگیزه و میل به مشاهده را در مخاطب برای رسیدن به حقیقت فراهم می‌آورد. در کلاس، دانش آموز قبل از مشاهده‌ی یک گل، آن را در ذهن مجسم و به تصویر می‌کشد.

۲. پرسش و طرح مسئله

فراهم کردن زمینه‌های سؤال و پرسش یکی دیگر از روش‌های دعوت به مشاهده است که در قرآن به آن توجه

منظور از «کتابا متشابها»
کتابی است که مطالب
آن در قسمت‌های متفاوت
آن با یکدیگر هم‌رنگ و
هماهنگ هستند و تضاد و
اختلافی در آن‌ها نیست



او رسید، نداشتن ایمان به خدا و یاری نطلبیدن از خداوند اعلام می‌فرماید: «با آن که بر آن‌ها گوش، چشم و عقل مدرک قرار دادیم تا خداشناس شوند، این قوای مدرک خدا را نشناخت و آن‌ها را از عذاب نرهانید»^{۱۳} [احقاف/ ۲۵].

۴. تمثیل^{۱۴}

«و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلکم یتذکرون» [زمر/ ۲۷-۲۶]. قرآن در بسیاری از آیات، مخاطب را از طریق مثل، به مشاهده برای رسیدن به یقین فرامی‌خواند.^{۱۵}

در سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۲۳ می‌فرماید: مثل آنان که خدا را فراموش کرده‌اند و غیر از او چیز دیگری را به دوستی برگرفته‌اند، در سستی و بی‌بنیادی، مثل خانه‌ی عنکبوت است؛ اگر بدانید، سست‌ترین بنا، خانه‌ی عنکبوت است. به یقین با مشاهده‌ی خانه‌ی عنکبوت می‌توان به بی‌اساس بودن دلیل آن‌ها پی برد. از دانش‌آموزان می‌خواهیم با انواع مثال‌ها منظور خود را ارائه دهند.

۵. تشبیه

منظور از «کتابا متشابها» کتابی است که مطالب آن در قسمت‌های متفاوت آن با یکدیگر هم‌رنگ و هماهنگ هستند و تضاد و اختلافی در آن‌ها نیست [تفسیر نمونه، سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۲۳]. خداوند در قرآن، در مورد این کتاب، می‌فرماید: «کتابا متشابها» [زمر/ ۲۳]. کتابی است که آیاتش در لطف، زیبایی، عمق و محتوا همانند یکدیگرند. با این وصف، چون مراد از شبیه، مشابهت در هدف و توضیح دادن یکدیگر است، بنابراین می‌توان از این حالت، یعنی با توضیح یک پدیده، مخاطب را به مشاهده‌ی پدیده‌ی دیگری که میان آن‌ها نباشد ارتباط و انعطاف وجود دارد، هدایت کرد. دانش‌آموز برگ‌هایی از درختان را که با هم شباهت‌هایی دارند، در یک گروه قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی اول: وقتی ستاره را دید (که نورانی هم بود)،

گفت این پروردگار من است.^{۱۰}

آزمون فرضیه‌ی اول: وقتی ستاره افول کرد، گفت:

به درستی که من آن‌چه را که غروب کند، به خدایی نخواهم پذیرفت.

د) ساختن دومین فرضیه و آزمون: موقعیتی است

که حضرت ابراهیم(ع) از آزمون فرضیه‌ی اول گذشته و به ساختن فرضیه‌ی دوم، یعنی به «مشاهده‌ی ماه» رسید^{۱۱}: ماه را بزرگ‌تر و نورانی‌تر از ستاره دید. گفت: «هذا ربی»؛ یعنی این پرورش‌دهنده‌ی من است. اما واقعیتی در این آزمون، صحنه را به کلی متحول کرد و آن هنگامی بود که ماه هم غروب کرد (یعنی آزمون فرضیه‌ی دوم هم به پایان رسید).

در این مرحله، نور عقل فطری حضرت او را بر آن داشت تا از خداوند برای هدایتش یاری طلبد. او در این آزمون گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، به یقین از گمراهان خواهم بود. این یاری خواستن تنها از عقل فطری ساخته است.^{۱۲}

ه) ساختن فرضیه‌ی سوم و آزمون: «فلما رءا

الشمس بازغه قال هذا ربی هذا اکبر فلما افلت قال یا قوم انی برئی مما تشرکون» [سوره انعام].

در آزمون سوم با غروب خورشید، به انتخابی بس بزرگ دست می‌زند. او با استعانت از خداوند، در جهت هدایتش از فیوضات خاص الهی برخوردار می‌شود و از این طریق، یقین را درک و اعلام می‌کند.

و) استنتاج: «انی وجهی وجهی للذی فطر السموات و

الارض حنیفا و ما انا من المشرکین» [سوره انعام]: من با ایمان خالص روی به سوی خداوندی آوردم که آفریننده‌ی همه‌ی آسمان‌ها و زمین است و من هرگز با عقیده‌ی مشرکان موافق نخواهم بود.

قرآن دلیل نرسیدن قوم حضرت ابراهیم را به نتیجه‌ای که

عبور از حس به عقل، از
سطح به عمق و از ظاهر
به باطن (ملکوت)، همان
استنباط است که مهم ترین
رهیافت معرفتی است



نگاه آیه‌ای داشته باشد باید رویکرد برنامه‌های درسی به نگاه آیه‌ای مجهز باشد.

۴. مشاهده قرآنی، گذشتن از سیر افقی، قرار گرفتن در ساحت عقل و بهره‌مندی از نور عقل فطری برای رسیدن به هدف غایی است.^{۱۷} ایجاد حرکت فکری در فراگیرنده و هدایت او از اهداف واسطه‌ای (هدف‌های فاعلی) به هدف غایی، و از همه مهم‌تر، شکل‌گیری این رویکرد در برنامه‌های درسی، جدی‌ترین مسئله‌ای است که امروز خود را به آن نیازمند می‌بینیم.

۵. در قرآن، مشاهده‌گر بیش‌تر در مشاهده‌ی پدیده‌ها به نظم سوق داده می‌شود که منشأ انتزاع قانون است. به همین دلیل است که خداوند در آیات فراوان انسان را به مشاهده دعوت فرموده است تا با دیدن آن پدیده‌ها، به نظم و قانون در جهان هستی و در نتیجه به خالق پدیده‌ی مشاهده شده، پی‌برده شود. فراهم آوردن چنین زمینه‌ای در برنامه‌های درسی، از ضرورت‌هایی است که باید به آن پرداخته شود.

۶. مشاهده در قرآن، گذر (عبور) از معرفت حسی و رسیدن به معرفت عقل فطری، برای تبیین، استنتاج، و به‌کارگیری صحیح آن است. فراهم کردن این زمینه‌ها در برنامه‌های درسی، مشاهده‌گر را در بهره‌گیری از این ویژگی یاری خواهد کرد. عبور از حس به عقل، از سطح به عمق و از ظاهر به باطن (ملکوت)، همان استنباط است که مهم ترین رهیافت معرفتی است.

۷. در مشاهده‌ی قرآنی، تدبر و تفکر در سنن و قوانین بین پدیده‌ها، به‌عنوان سنت‌ها و قوانین پایدار، برای تبیین علل پایداری و سقوط جوامع، به‌منظور افزایش سطح دانایی و توانایی و درنهایت رسیدن به معرفت حقیقی است. چرا که توجه به این قوانین و سنت‌ها، فراگیرنده را به‌سوی مدیر و مدبر آن‌ها سوق می‌دهد. فراهم شدن این زمینه‌ها در برنامه‌ی

۶. مقایسه

در سوره‌ی هود آیات ۱۹ تا ۲۴، بین مؤمنین و غیر آن‌ها مقایسه‌ای انجام گرفته است. بعد از احصای ویژگی‌های هر دو گروه می‌فرماید: مثل این دو گروه، هم‌چون نابینا و کر، در مقایسه با بینا و شنواست. آیا در مثل یکسان‌اند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟^{۱۶} یا از طریق مشاهده‌ی نور و تاریکی [رعد / ۸۶]، زندگان و مردگان [فاطر / ۲۲]، آن‌هایی که می‌دانند و آن‌هایی که نمی‌دانند، برابرند؟ [زمر / ۹]. به این ترتیب، فراگیرنده را به مشاهده‌ی این پدیده‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها و نیز به تفکر فرامی‌خواند.

در علوم می‌توان با طرح مقایسه‌ی انواع برگ‌ها، دانش‌آموزان را به مشاهده دعوت کرد. یا یک نایلون سیاه و یک نایلون سفید روی زمین پهن کنند؛ به‌طوری‌که مدتی آفتاب به آن‌ها بتابد. بعد مقایسه کنند، کدام بیش‌تر گرم شده است.

به‌نظر می‌رسد قرآن و علوم تجربی در بسیاری موارد در این شرایط مشترک باشند. اما آن‌چه شرایط قرآن را متمایز می‌کند، در درجه‌ی اول نگاهی است که مشاهده‌گر دارد.

چگونه ویژگی‌های مشاهده‌ی قرآنی را داشته باشیم؟

۱. در درجه‌ی اول فراهم کردن زمینه برای استعانت لحظه‌به‌لحظه از خداوند. به‌منظور استفاده‌ی صحیح از عقل فطری پرورش‌یافته، استنتاج و به‌کارگیری صحیح آن‌چه مشاهده شده، از مهم‌ترین مسائلی است که باید انجام گیرد.

۲. دعوت‌کننده در مشاهده‌ی قرآنی، خدای حکیم و معصومین (علیهم‌السلام) هستند. بنابراین، معلمان محترم به‌عنوان دعوت‌کنندگان و الگوهای شاخص فراگیرندگان به مشاهده، خود باید تزکیه شده باشند.

۳. در این مشاهده، پدیده‌ها به‌عنوان آیه یا نشانه‌ای از حقیقت برتر، یعنی خداوند، مورد توجه قرار می‌گیرند. قرآن آیه‌ها را نه امری اعتباری و نه امری محدود و مقید، بلکه در تمامی حالات به‌عنوان مخلوق، علامت و آیت پروردگار تلقی می‌کند. بنابراین برای این‌که فراگیرنده

مشاهده در قرآن، گذر (عبور) از معرفت حسی و رسیدن به معرفت عقل فطری، برای تبیین، استنتاج، به ویژه استنباط، و به کارگیری صحیح آن است



۷. کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیكون من الموقنین [انعام/ ۷۵]. توجه: مشاهده از نظر قرآن می تواند انسان را به یقین برساند.

۸. در این مرحله، از طرف خداوند معرفت و زمینه های رشد به حضرت ابراهیم اضافه می شود (سوره ی انبیاء، آیه ی ۵۶).

۹. «فلما جن علیه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی فلما افل قال اتی لا احب الافلین.»

۱۰. هم چنان که در جریان آیات مربوط به معادشناسی نیز عرض کرد: و اذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحیی الموتی؟ پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟ او می خواست شخصاً درباره ی خداشناسی و معاد بیندیشد و معبودی را که در فطرت پاک خویش و در اعماق جانش می یافت، پیدا کند. البته او خداوند را با نور عقل فطری خود و با دلایل اجمالی آن شناخته بود... (می خواست از طریق استدلالات روشن تر عقلی به حق الیقین برسد) [تفسیر نمونه، ج ۵: ۱۱].

۱۱. فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی فلما افل قال لئن لم یهدنی ربی لاکونن من القوم الضالین» [انعام/ ۷۵].

۱۲. هم چنان که علی (ع) هم وقتی عقل را تعریف می فرمایند، اعلام می کنند: «ما عبد به الرحمن»

۱۳. تأمل در این آیه ممکن است این سؤال را نیز ایجاد کند: چرا افرادی که ایمان ندارند، نمی توانند پدیده ها را نشانه های از عظمت خدا تلقی کنند در حالی که آن چه را که ایمان آورندگان می بینند، آن ها هم مشاهده می کنند؟ به چه علت از آن ها تشخیص حواس سلب می شود؟ یا چرا ابزار شناخت آن ها از کار می افتد، در حالی که در ظاهر امر این گونه نیست؟ جواب از قرآن: آیا مشاهده کردی کسی را که هوای نفس را خدای خود قرار داد و لذا گمراه شد و خدا مهر بر گوش و قلبش نهاد و پرده بر چشمش افکند؟ و در آیات دیگر می فرماید:

○ و کذالک یطیع الله علی کل قلب متکبر جبار.

○ بل طبع الله علیها بکفرهم.

دو دلیلی که قدرت تشخیص از آن ها سلب شد این بود که آن ها حقیقت را کتمان کردند، تکبر ورزیدند و سرکش و ستمگری کردند. بنابراین از کار افتادن ابزار شناخت آن ها برای یافتن معرفت حقیقی، بازتاب اعمال خودشان بود.

درسی، فراهم کردن یادگیری پایدار و به عبارت دیگر، یادگیری حقیقی است.

۸. مشاهده ی قرآنی بیش تر برای گرفتن عبرت و شناختن قوانین است: «انظروا کیف کان...» چون این پدیده ها تابع قانون و سنت ها هستند و به علاوه، هر آن چیزی که تابع قانون است، مخلوق و معلول است، پس خالق دارد که او خداوند علیم است. توجه برنامه ریزان به این موضوع، یعنی عبرت شناسی از طریق مشاهده، در حقیقت فراهم کردن معیارهای قرآنی است.

برای مشاهده ی منابع و پی نوشت های این مقاله می توانید به نشانی: www.quran-dept.talif.com مراجعه کنید.

پی نوشت

۱. مقاله ی حاضر نگاه اجمالی به مشاهده است، تفصیل آن در سایت رشد آموزش قرآن قابل رؤیت است.

۲. «کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیكون من الموقنین» [انعام/ ۷۵]

۳. از آن جا که در مشاهده از حواس سمعی و بصری بیش تر از سایر حواس استفاده می شود، این دو حواس بیش تر مورد توجه قرار می گیرند در حالی که در مشاهده می توان از همه ی حواس استفاده کرد.

۴. «کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیكون من الموقنین [انعام/ ۷۵]. توجه: مشاهده از نظر قرآن می تواند انسان را به یقین برساند.

۵. «آنتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون»: یا آبی که شما هر روز می نوشید، متوجه اید. شما آن آب را از ابر فرو ریختید یا ما؟ [واقعه/ ۶۹].

۶. «اذ قال ابراهیم لایبه از اتخذ اصناما الهه انی ارنک و قومک فی ضلال مبین» [انعام/ ۷۴].

**مشاهده‌ی قرآن‌بیش‌تر
برای گرفتن عبرت و شناختن
قوانین است:
«انظروا کیف کان...»
چون این پدیده‌ها
تابع قانون و سنت‌ها هستند**



۱۰. ——— تفسیر سوره‌ی اسرا.
۱۱. شریفیان، احمد. اهمیت استفاده از فنون یادگیری دیداری. رشد جوانه ۱۳. ۱۳۸۴.
۱۲. زکریایی، محمد. فرهنگ مطهر شهید مطهری: پدیدآور اصلی. ناشر: علی آذریون. تهران. ۱۳۷۸.
۱۳. ری‌شهری، محمد. حکمت و علم در قرآن و حدیث. ترجمه‌ی عبدالهادی مسعودی (ج ۱ و ۲). سازمان چاپ و نشر. قم. ۱۳۸۲.
۱۴. شیخ کلینی رازی. اصول کافی (جلد ۴). انتشارات اسلامیة تهران.
۱۵. رضانی و عصاره. «تفکر از دیدگاه قرآن». رشد آموزش قرآن. ش ۲۶ و ۲۷.
۱۶. راهنمای تدریس علوم تجربی ابتدایی. دفتر تألیف کتب درسی. ۱۳۸۶.
۱۷. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۵.
۱۸. ———. تعلیم و تربیت اسلامی. ناشر صدرا. ۱۳۸۲.
۱۹. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم - محمد فؤاد عبدالباقی.
۲۰. قریشی، علی‌اکبر. قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۴.
۲۱. صوفی، مریم. فرهنگ فارسی معلم. انتشارات جاجرمی. ۱۳۸۰.
۲۲. عمید، حسن. فرهنگ معاصر فارسی عمید. انتشارات امیرکبیر.
۲۳. کلاتری، الیاس. راهنما و فهرست ترجمه‌ی میزان فی تفسیر القرآن محمدحسین طباطبایی. چاپ پیام. قم انتشارات اوج. ۱۳۶۱.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین. میزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی فارسی
۲۵. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. تهران. ۱۳۷۲.
۲۶. ملکی، حسن. برنامه‌ی درسی و پرورش تفکر. انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۸۰.

۱۴. مثل قولی که درباره‌ی چیزی که شبیه است به قولی درباره‌ی چیز دیگر، تا یکی آن دیگری را بیان و مجسم کند. درواقع مثل برای تفهیم مطلب و اشباع ذهن شنونده است [قریشی، ۱۳۶۴].

۱۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۱، سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳، سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۱، سوره‌ی الاسراء، آیه‌ی ۸۹، سوره‌ی ابراهیم، آیات ۱۸ و ۲۶.

۱۶. مثل الفریقین کلاعمی والاصم والبصیر والسمیع هل یستویان؟ افلا تذکرون؟

۱۷. نگاه در مشاهده‌ی قرآنی، چون نگاه یک زمین‌شناس در علوم تجربی نیست که بخواهد تنها به مواد تشکیل‌دهنده‌ی لایه‌های زمین و مذاب یا جامد بودن یا به چگونگی حرکت وضعی آن و در پایان به علت‌های فاعلی برسد. با این نگاه که فقط به سیر افقی پرداخته می‌شود، نمی‌توان از راه حس از علت فاعلی گذشت و به خالق زمین و پدیده‌های مورد مشاهده رسید.

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. نقش نگار. تهران. ۱۳۸۷.
۲. انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. چاپ‌خانه‌ی مهارت. تهران. ۱۳۸۱.
۳. بهشتی، سعید. آیین خردپروری. مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر. تهران. ۱۳۸۰.
۴. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. مدرسه. تهران. ۱۳۸۵.
۵. بیرجندی، پرویز؛ کبیری، قاسم؛ و... لغت‌نامه‌ی انگلیسی دانشگاهی راهنما. چاپ‌خانه‌ی حافظ. ۱۳۷۸.
۶. نهج‌البلاغه. ترجمه و تفسیر محمدتقی جعفری. دفتر نشر اسلامی. تهران.
۷. جعفری، محمدتقی. حیات معقول. دفتر نشر اسلامی. تهران. ۱۳۷۶.
۸. جوادی آملی، عبدالله. معرفت‌شناسی در قرآن. مؤسسه‌ی نشر اسرا. قم. ۱۳۷۸.
۹. ———. مراحل اخلاق در قرآن. مؤسسه‌ی نشر اسرا. قم. ۱۳۸۵.